

واکاوی نقش فدراسیون روسیه در قبال ژئوپلیتیک خلیج فارس

نگارنده: دکتر اسدالله حبیبزاده^۱

چکیده

اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس بر کسی پوشیده نیست. این منطقه دارای عوامل ژئوپلیتیکی بسیار ممتازی است، که می‌توان این عوامل را ناشی از موقعیت ویژه طبیعی و انسانی آن دانست. این چنین موقعیت ویژه‌ی، سبب شده تا قدرت‌های جهانی و منطقه‌ی نزدیک به خلیج فارس، همواره سعی در نفوذ سیاسی- اقتصادی در این منطقه داشته باشند، که یکی از این قدرت‌ها، روسیه است.

دیدگاه‌ها و سیاست‌های متفاوت روسیه در خلیج فارس، ثابت می‌کند که این کشور از سیاستی صرفاً امنیتی در زمان شوروی سابق و سیاستی صرفاً اقتصادی در اوایل تشکیل فدراسیون روسیه به سیاستی امنیتی- اقتصادی در سال‌های اخیر در خلیج فارس تغییر جهت داده است. این تغییر جهت را می‌توان در چرخش روسیه از غرب در اوایل فروپاشی شوروی به سمت شرق (پیمان شانگ‌های با چین و کشورهای آسیای مرکزی) در سال‌های اخیر نیز نسبت داد. آینده‌ی نه چندان دور نشان خواهد داد که اولویت سیاست‌های روسیه در منافع امنیتی آن خواهد بود یا منافع اقتصادی آن؟ این در حالی است که چرخش سیاست‌های ایالات متحده در خلیج فارس، پاسخ به این سؤال را در کوتاه‌مدت میسر خواهد نمود.

این مقاله، پس از بررسی سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی به عنوان قدرتی جهانی و مقایسه آن با سیاست‌های روسیه بعد از فروپاشی بلوک شرق به عنوان یک قدرت منطقه‌ی، به تغییرات سیاست خارجی این کشور و دلایل مربوط به آن در منطقه خلیج فارس پرداخته و روابط فدراسیون روسیه را با کشورهای خلیج فارس در زمینه‌های مختلف مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. روش پژوهش در این مقاله، مقایسه‌ی - توصیفی می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: فدراسیون روسیه، شوروی سابق، خلیج فارس، خاورمیانه، روابط

سیاسی و روابط اقتصادی.

^۱ عضو هیئت علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب هرات

مقدمه

منطقه خلیج فارس، یکی از مهم‌ترین مناطق صاحب منابع انرژی دنیا است، که نقش بسیار مهمی در معادلات انرژی جهان دارد. در دهه‌های اخیر این منطقه نابسامانی‌های فراوانی را متحمل شده و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دست‌خوش تغییرات فراوانی شده است. رقابت بر سر منابع انرژی و منابع نفتی این منطقه از جمله مسایلی است که در تحولات آینده جهان نقش فراوانی خواهد داشت؛ علاوه بر آن، باتوجه به رقابت کشورهای قدرت‌مند پیرامون نفت، این منطقه نقش مهمی در معادلات ژئوپلیتیک آینده جهان خواهد داشت (یزدانی و توپسرکانی؛ ۱۳۹۰: ۴).

خلیج فارس، دارای عوامل ژئوپلیتیکی ویژه‌ای است که می‌توان این عوامل را ناشی از موقعیت ویژه طبیعی و انسانی آن دانست. از دیدگاه طبیعی، موقعیت راه‌بردی آن، که سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد و نیز وجود عظیم‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان در آن بسیار با اهمیت است. از دیدگاه انسانی نیز این منطقه ویژه‌گی‌های منحصربه‌فردی را دارا است، قلب جهان اسلام و مقدس‌ترین مکان‌های مذهبی مسلمانان در این منطقه قرار دارد و باتوجه به جمعیت بالای آن و ثروت هنگفتی که از طریق فروش منابع انرژی به دست می‌آید، به بازار مهم فروش کالاهای سرمایه‌ی، خدماتی و مصرفی در جهان تبدیل شده است.

خلیج فارس، یکی از اصلی‌ترین مراکز ثقل مناسبات ژئوپلیتیکی و بین‌المللی است، که تحت سیطره دو قلمرو ایرانی و عربی قرار دارد. منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، متشکل از هشت کشور ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان است، که در کرانه‌های حوضچه خلیج فارس گرد هم آمده‌اند. خلیج فارس ۶۱/۵ درصد از ذخایر نفت جهان را دارا است، که در این میان، عربستان با ۲۲ درصد و ایران با ۱۱/۵ درصد از سهم جهانی در منطقه، بیش‌ترین سهم را دارا هستند (EIA, 2007, 36-37). منابع عظیم نفت خلیج فارس و نیاز فزاینده کشورهای توسعه‌یافته به نفت، باعث شد تا در نیمه دوم سده بیستم، قدرت‌های منطقه‌ی و فرامنطقه‌ی به این منطقه توجه ویژه‌ای داشته باشند. کشف میادین گازی خلیج فارس، افزایش جهانی قیمت نفت، کاهش ذخایر نفت، الزام پیمان کیوتو (سخت‌پاک) و سازگاری بیش‌تر گاز طبیعی با محیط زیست، باعث شده تا خلیج فارس بیش از پیش در کانون توجه مناسبات ژئواکونومستی قرار گیرد (کاوایانی و ویسی؛ ۱۳۸۴: ۲۹۸)؛ از این رو، منطقه خلیج فارس با تأمین بخش عظیمی از انرژی مورد نیاز جهان و موقعیت ژئوپلیتیک آن، از دیرباز مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده و تلاش برای اعمال سلطه و نفوذ در این منطقه به یکی از سیاست‌های راه‌بردی آن تبدیل شده است، که این پژوهش روابط فدراسیون

روسیه و قبل از آن اتحاد جماهیر شوروی با خلیج فارس و کشورهای واقع شده در این منطقه را مورد بررسی و دقت قرار می‌دهد.

روسی‌ها و اندیشه تسلط بر خلیج فارس

در این بخش، تاریخچه حضور روس‌ها در خلیج فارس در طول سالیان متمادی به صورت گذرا اشاره می‌شود.

زامداران روسیه بر اساس وصیتنامه پطر کبیر، یکی از راه‌های تبدیل شدن به قدرت جهانی و امکان مقابله با رقبای دیگر را دست‌یافتن بر آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان می‌دانستند. در این دوران، اساس سیاست خارجی زمامداران روس در آسیا، به‌ویژه خلیج فارس، نشأت گرفته از همین وصیتنامه بود. شایان ذکر است که گرچه برخی از مؤرخان وصیتنامه پطر کبیر را ساخته‌گی دانسته‌اند؛ اما با نگاهی به سیاست خارجی زمامداران روس، تردیدی نیست که آنان همین وصیتنامه را اساس سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. در این‌جا لازم است برای آشنایی با اهداف زمامداران روسی در خلیج فارس، که بر اساس مفادی از این وصیتنامه سیاست‌گذاری شده بودند، در بند ۹ این وصیتنامه آمده است:

نزدیک شدن هر چه بیش‌تر به قسطنطنیه و هند؛ کسی که این منطقه را در دست داشته باشد، مالک تمام جهان خواهد بود. پس برای رسیدن به این مقصود باید به جنگ‌های دایمی دامن زد، نه فقط در ترکیه، بل که هم‌چنین در ایران. تأسیس کارگاه‌های کشتی‌سازی در اطراف دریای سیاه، تصرف تدریجی این دریا که مانند دریای بالتیک برای اجرای طرح ای ما، لزوم قطعی دارد و نفوذ تا خلیج فارس با تضعیف ایران؛ و در صورت امکان برقراری مجدد روابط تجاری سابق با مشرق‌زمین. پس از آن پیش‌روی تا هندوستان که انبار گنجینه‌های جهان است؛ پس از دست‌یابی به آن‌جا دیگر به طلای انگلیس احتیاجی نخواهیم داشت (ترنزیو: ۱۳۶۳).

سیاست روس‌ها طی سال‌های تسلط انگلستان بر هندوستان و خلیج فارس، بیش‌تر به صورت تهدید هندوستان جلوه می‌کرد؛ زیرا این کشور به گسترش مرزهای خود مشغول بود و نمی‌خواست در محدوده‌یی خارج از این مرزها درگیر جنگ شود. از سوی دیگر، سیاست اصلی انگلستان در این دوره آن بود که از ایجاد مرز مشترک در مستعمرات و کشورهای تحت نفوذ خود با روسیه جلوگیری کند تا مجبور به جنگ با این کشور نشود. برآیند مشترک این دو سیاست، یعنی خودداری از ایجاد وضعی که منجر به جنگ بین دو دولت شود، نوعی هم‌کاری یا عدم دخالت در توسعه‌طلبی متقابل را به وجود آورد (کاظم زاده؛ ۱۳۷۱: ۲۵).

طرح روس‌ها در خلیج فارس

در سال‌های آخر سده نوزدهم میلادی، روس‌ها در سیاست خود تغییرات اساسی داده به فعالیت و تحرکات بیش‌تری در منطقه خلیج فارس دست زدند. در این دوره، هدف عمده روس‌ها این بود که بتوانند در خلیج فارس پای‌گاه‌های دریایی و نیروی کافی مستقر سازند و با تأسیس یک خط آهن سرتاسری ترتیبی دهند که بتوانند در مواقع لزوم قوای جنگی لازم را از روسیه تزاری به این منطقه منتقل کرده و پای‌گاه‌های خود را تقویت نمایند. واقعیت امر این است که حضور فعالانه‌تر روس‌ها در منطقه خلیج فارس، جز حرکت در راستای تهدید هندوستان و اعمال فشار بر انگلستان برای گرفتن امتیازاتی از آن دولت در سایر نقاط دنیا و به‌ویژه اروپا چیز دیگری نبود. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی با ظهور دولت آلمان (رایش دوم)، افزایش میل توسعه‌طلبی در میان دولت‌های اروپایی، ضعف دولت عثمانی و توجه کشورهای اروپایی به متصرفات آن دولت، مطرح‌شدن راه آهن بغداد و ظهور گروه‌بندی‌های جدید کشورهای اروپایی و هم‌چنین رقابت‌های شدید مستعمراتی در چین و کشورهای نظیر آن، منافع بریتانیا در خلیج فارس از هر سو مورد تهدید جدی قرار گرفت. روس‌ها با ظاهرشدن در خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن تلاش کردند که انگلستان را آماده هم‌کاری در سایر نقاط دنیا نمایند (مشایخی؛ ۱۳۸۶: ۳۵).

حضور روسیه در خلیج فارس (۱۹۰۰ - ۱۹۱۷ م)

سال‌های پایانی قرن نوزدهم، خلیج فارس، صحنه رقابت قدرت‌های اروپایی گردید. دولت انگلستان در قرن نوزدهم به بهانه حفاظت از هند، تمامی راه‌های دریایی و خشکی‌های منتهی به آن را نیز تصاحب کرده بود و خلیج فارس را متعلق به خود می‌دانست. تا اوایل قرن بیستم در این منطقه اتفاق خاصی انگلستان را تهدید نمی‌کرد؛ ولی به تدریج دولت‌های سهم‌خواه و نوظهور دیگری پا به عرصه ظهور نهادند و رقابت با انگلیس را آغاز کردند. از جمله مهم‌ترین رقبای انگلیس، روسیه بود. روسیه در اواخر قرن نوزدهم میلادی با پیش‌روی به سمت آسیا، رقیب اصلی انگلیس در آسیا و اروپا گردید؛ زیرا هند - که مهم‌ترین مستعمره انگلستان محسوب می‌شد - از سوی خشکی و دریا از جانب روس‌ها تهدید می‌گردید. روسیه برای دسترسی آسان‌تر به خلیج فارس، تلاش نمود به داخل ایران نفوذ نموده، بر دست‌گاه حاکمه ایران تسلط یابد (احمدی؛ ۱۳۸۰: ۲۸).

علائق شوروی در خلیج فارس

تمامی سیاست‌های شوروی در زمان جنگ سرد، متأثر از وضعیت قاره‌یی و نامساعد این کشور بود. شوروی کشوری بسیار پهناور بود؛ ولی از نظر دسترسی به دریاهای آزاد وضعیتی نامطلوب داشت؛ زیرا آب‌های آزاد شمال شوروی به علت وضعیت سرما و یخبندان در اکثر ماه‌های سال عملاً غیر قابل استفاده به نظر می‌رسید و گذرگاه‌های آبی واقع در غرب این کشور یا در سمت شرق آن اکثراً تحت کنترل نیروی دریایی آمریکا و ناتو قرار داشتند. به همین منظور، داشتن بندری در آب‌های گرم خلیج فارس، برای شوروی می‌توانست اهمیتی استراتژیک داشته باشد؛ زیرا از این طریق می‌توانست پیوندهای تجاری و اقتصادی خود را با جنوب آسیا، شرق دور، استرالیا، آفریقا و کشورهای حوزه خلیج فارس مستحکم سازد و از طرف خلیج فارس و دریای عمان و سواحل شمالی اقیانوس هند، که از نظر نظامی و استراتژیک محل تماس استراتژی ببری و استراتژی بحری می‌باشند، می‌توانست حلقه محاصره شوروی سابق را بشکند و امنیت مرزهای جنوبی این کشور را به ارمغان آورد (علی‌زاده و بردبار؛ ۱۳۸۶: ۴۵)؛ لذا دلایل حضور شوروی در خلیج فارس، دریای عمان و سواحل شمالی اقیانوس هند عبارت‌اند از:

- جلوگیری از نفوذ قدرت رقیب به ریملند؛
- شکستن محاصره دریایی شوروی؛
- کنترل شبکه راه‌های دریایی؛
- حفظ امنیت مرزهای جنوبی آن کشور (جعفری ولدانی؛ ۱۳۸۱: ۳۱).

نکته قابل ذکر دیگر در این‌جا، این است که نفت خلیج فارس هیچ‌گاه برای شوروی سابق دارای اهمیت نبود؛ بل که خلیج فارس از دیدگاه شوروی حاشیه امنیتی محسوب می‌شد و طلایی‌ترین فرصت شوروی برای حضور در خلیج فارس زمانی بود، که پس از پایان جنگ دوم جهانی، انگلستان تصمیم به خروج از خلیج فارس گرفت. در آن زمان به دلیل نزدیکی شوروی به خلیج فارس حضور اتحاد شوروی در این منطقه بسیار محتمل‌تر به نظر می‌رسید؛ ولی از آن‌جا که بیش‌تر از حضور مستقیم در خلیج فارس شوروی برای حفظ حاشیه امنیتی خود در جنوب سعی داشت تا آمریکا و ناتو به طور مستقیم وارد خلیج فارس نشوند، با طرح شاه وقت ایران، که به جهانیان هشدار داده بود، پس از خروج انگلستان هیچ‌کس جز قدرت‌های ساحلی مسؤول خلیج فارس نخواهند بود، موافقت نمود. در همین راستا از سال ۱۹۶۲ شوروی در پی تحکیم روابط خود با ایران برآمد و با وجود روابط نزدیک مسکو با بغداد که سال‌ها بود با ایران روابط تیره داشت، اتحاد شوروی آشکارا مصمم بود تا جایی که

می‌تواند، از گزینش میان عراق و ایران در کشمکش‌های شان پرهیز کند (علی‌زاده و بردبار؛ ۱۳۸۶: ۴۶).

طرح برژنف

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حذف ایران به عنوان ژاندارم منطقه خلیج فارس، امریکا در این منطقه دست به تشکیل نیروهای واکنش سریع در سال ۱۹۸۰ زد، که در پاسخ به تشکیل این نیروی واکنش سریع امریکا، شوروی یک طرح پنج ماده‌ای ارائه داد که به «طرح برژنف» معروف شد. این طرح که از سوی امریکا و غرب رد شد، شامل موارد زیر بود:

۱. عدم تأسیس پای‌گاه نظامی در حوزه خلیج فارس و جزایر آن؛
۲. عدم استفاده یا تهدید به استفاده از زور علیه کشورهای خلیج فارس و عدم دخالت در امور داخلی آن‌ها؛
۳. احترام به عدم تعهد از سوی کشورهای خلیج فارس و عدم اتحاد آن‌ها با بلوک‌های نظامی و قدرت‌های نظامی؛
۴. احترام به منابع طبیعی و حق حاکمیت کشورهای منطقه؛
۵. احتراز از ایجاد مانع در خطوط ارتباط دریایی که کشورهای منطقه را با سایر دولت‌ها مربوط می‌سازد (جعفری ولدانی؛ ۱۳۸۱: ۳۱).

طرح گورباچف

با به قدرت رسیدن گورباچف در شوروی، تحول عمده‌یی در سیاست خارجی این کشور نسبت به خلیج فارس روی داد. سیاست‌های جدید گورباچف در زمینه‌های سیاسی (گلاسنوست) و اقتصادی (پروسترویکا) موجب تحولاتی در نگرش‌های این کشور نسبت به خلیج فارس و نگرش کشورهای این منطقه به شوروی شد. بر این اساس شوروی خواستار توسعه روابط سیاسی - اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس شد. کشورهای این منطقه نیز که دیگر به شوروی به عنوان یک کشور سوسیالیستی نگاه نمی‌کردند و ترس آن‌ها از سوسیالیسم فرو ریخته بود، به این درخواست شوروی پاسخ مثبت دادند. به دنبال آن روابط سیاسی بین شوروی و کشورهای خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان برقرار شد. روابط اقتصادی بین شوروی و کشورهای خلیج فارس نیز گسترش یافت (جعفری ولدانی؛ ۱۳۸۱: ۳۲).

استراتژی فدراسیون روسیه در خلیج فارس و خاورمیانه

روسیه از دیرباز تمایل داشته است که حضوری فعال در آسیا داشته باشد. این آرزو در دوره تزارها با مانعیت بریتانیا مواجه بود و بازی بزرگ به تقسیم جهان آن روز منجر شد. در دوره ظهور شوروی پس از پایان جنگ جهانی اول، جهان به دو قلمرو استراتژی بری وابسته به شوروی و جهان سوسیالیسم در قلمرو آسیا و اروپای شرقی و قلمرو بحری به زعامت ایالات متحده در اروپای غربی و امریکای شمالی وابسته به جهان سرمایه‌داری تقسیم شد. پس از جنگ جهانی دوم و آغاز دوره «جنگ سرد» و تأسیس پیمان‌های نظامی ناتو و شعبات منطقه‌یی پیرامون، قلمرو ژئو استراتژی بری رو به رشد بود.

در این میان مهم‌ترین مشکل روسیه پس از تولد، مشکلات اقتصادی داخلی این کشور بود. روسیه در آن سال‌ها انتظار داشت غرب در بازسازی و توسعه صنایع این کشور سرمایه‌گذاری هنگفتی در خاک روسیه انجام دهد. به همین دلیل روسیه ضمن پذیرفتن حضور وسیع نظامی امریکا در خلیج فارس، تمامی قطع‌نامه‌های سازمان ملل درباره محکومیت عراق در جریان بحران خلیج فارس را پذیرفت. روسیه خیلی زود آگاه شد که از کمک‌های اقتصادی غرب بهره‌ی نخواهد برد. پس از آن و از سال ۱۹۹۲ روسیه با فرستادن هیئت‌های عالی‌رتبه به کشورهای حوزه خلیج فارس، سعی نمود تا علاوه بر فروش تسلیحات روسی به آن‌ها، به جذب دلارهای نفتی اعراب، که با بهره کم در بانک‌های غربی وجود داشت، بپردازد (علی‌زاده؛ ۱۳۸۶: ۴۷). کوزیرف، رئیس هیئت نماینده‌گی شوروی در سفر به کشورهای خلیج فارس گفت: «روسیه برای انتقال اقتصاد خود به بازار آزاد و نوسازی صنایع خود، به ویژه در بخش نفت به وام و سرمایه کشورهای عربی نیاز دارد. روسیه آماده است که در ب‌ها را هم به روی بخش دولتی و هم بخش خصوصی کشورهای عربی باز کند. در مقابل روسیه می‌تواند به کشورهای عربی مواد خام و دارو صادر نموده و با ارائه خدمات کارشناسی و هوانوردی به آن‌ها کمک کند» (جعفری ولدانی؛ ۱۳۸۱: ۳۳).

حضور روسیه، که پس از جنگ سرد در خلیج فارس صرفاً اهداف اقتصادی داشت، پس از ظهور موج جدید بنیادگرایی اسلامی که در ابتدا تنها منافع ایالات متحده را در منطقه و جهان به چالش می‌کشاند و منشأ آن در منطقه خلیج فارس بود، دچار تحول گردید. روسیه ابتدا از این که بنیادگرایی اسلامی که وجوه مختلف آن توسط ایران و عربستان سعودی مورد حمایت قرار می‌گرفت، می‌تواند از حضور روزافزون ایالات متحده در نقاط مختلف جهان خصوصاً در مرزهای جنوبی این کشور تا حد قابل ملاحظه‌یی بکاهد، بسیار خرسند بود؛ ولی پس از گذشت مدت زمان کوتاهی به این نتیجه رسید که هرگونه بی‌ثباتی در خلیج فارس و مناطق ژئوپلیتیکی نزدیک به روسیه، می‌تواند بر ثبات

جمهوری‌های آسیای مرکزی که همیشه حیات خلوت روسیه محسوب می‌شدند، تأثیر فراوانی بگذارد. خصوصاً این که غالب مردم این منطقه مسلمان بوده و موج بنیادگرایی در این منطقه بسیار سریع می‌توانست منافع حیاتی روسیه را به خطر اندازد. حرکت بنیادگرایی در مناطق اطراف روسیه بسیار زودتر از آن چه تصور می‌شد، روسیه را به چالش کشاند. تهدید اسلام سیاسی در قفقاز، خصوصاً جمهوری خودمختار چچن، سال‌های پس از جنگ سرد تاکنون هم‌واره مشکلات مهم امنیتی و اقتصادی را برای روسیه به دنبال داشته است. نزدیکی روسیه به ایران و در سال‌های اخیر به عربستان سعودی، علاوه بر منافع مالی، می‌تواند از حمایت این دو کشور قدرت‌مند خلیج فارس از بنیادگرایان اسلامی در قفقاز به مقدار قابل توجهی بکاهد (علی‌زاده؛ ۱۳۸۱: ۴۸).

در این مورد سخنان «الک پرسپکین» سفیر روسیه در لبنان نقش روسیه را در خاورمیانه به درستی بیان می‌کند: «ما به عنوان کشوری طرف‌دار صلح، به حل مشکلات کمک می‌کنیم؛ اما فدراسیون روسیه امروزی، شوروی دیروز نیست. ما استفاده از ابزار فشار را رد می‌کنیم و به جای آن تأکید بر تفاهم و ترغیب داریم» (جعفری ولدانی؛ ۱۳۸۱: ۳۴).

سیاست‌های خاورمیانه‌یی روسیه

سابقه سیاست خاورمیانه‌یی روسیه محدود به طول عمر اتحاد جماهیر شوروی و روسیه فعلی نیست؛ درواقع، سابقه سیاست خاورمیانه‌یی روسیه به روابط روسیه تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد؛ به آن زمان که روسیه تزاری با پیش‌روی در شمال ایران با نفوذ سیاسی - نظامی بریتانیا در کشور هم‌سایه‌اش، یعنی ایران مقابله می‌کرد. در حقیقت سیاست خاورمیانه‌یی روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور شاهد تغییر و تحولات متأثر از برهه تاریخی خاص بوده است؛ اما آن چه در این جا مورد بررسی است، سیاست خاورمیانه‌یی روسیه در دوره پوتین و دوره قبل آن، یعنی زمان تصدی ریاست جمهوری این کشور توسط یلتسین است. از این رو با بررسی کلی سیاست خاورمیانه‌یی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سه دوره ریاست جمهوری یلتسین، پوتین و مدودف به بررسی اهداف و انگیزه‌های روسیه در خاورمیانه و خلیج فارس پرداخته و به طور مشخص رابطه روسیه با سه کشور مهم منطقه خلیج فارس (ایران، عراق و عربستان سعودی) را مورد پژوهش قرار می‌دهیم.

۱) سیاست خاورمیانه‌یی روسیه در دورهٔ یلتسین

به طور کلی می‌توان گفت در اوایل دههٔ نود، سیاست خارجی روسیه، ادامهٔ سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی در آخرین سال‌های ریاست جمهوری گورباچف بود؛ چرا که با کناره‌گیری میخائیل گورباچف و روی کار آمدن بوریس یلتسین، همچنان راه‌برد کلان روسیه مبتنی بر دو اصل توسعهٔ اقتصادی و نگرش خوش‌بینانه به غرب بود. در این دوره روسیه در داخل با مشکلات سیاسی و اقتصادی زیادی درگیر بود و امیدوار بود با کنار گذاشتن مقابلهٔ ایدئولوژیک، ایالات متحده نیز در قبال این کشور روی کرد دوستانه‌یی انتخاب کند و این رابطه به همکاری استراتژیک هر دو طرف منتهی شود (عابدی؛ ۱۳۸۸: ۱۲۵)؛ بنابراین، باتوجه به حاکمیت این نگرش بر سیاست خارجی این کشور که تا نیمهٔ سال ۱۹۹۳ نیز به طول انجامید، روابط روسیه به جز با هم‌سایه‌گان نزدیک و غرب دچار نوعی رکود موقت شد؛ اما رهبران روسیه به زودی دریافتند که نه تنها نمی‌توانند از امریکا انتظار یاری داشته باشند، بل که در حوزهٔ منافع خود در مرزهای نزدیک در رقابت با قبایلی چون ایالات متحده امریکا و ترکیه از یک‌سو و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند.

روسیه که در این منطقهٔ مهم استراتژیک و غنی نفتی در جست‌وجوی موفقیتی حتا بدون یک معاملهٔ بزرگ بود، به خوبی می‌دانست این موفقیت حاصل تعادل سیاست میان ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود؛ در نتیجه، خلیج فارس نیز در اولویت دوم روسیه در این منطقه قرار گرفت و در درجهٔ بعد مسألهٔ اعراب و اسرائیل که در مدار اسرائیل، سوریه، لبنان، مصر، اردن و فلسطین نیز از اولویت‌های مهم برای مسکو محسوب می‌شد. یلتسین دریافت که در مسیر بهبود روابط با غرب، رابطه با اسرائیل می‌تواند تاکتیکی مؤثر باشد؛ از این‌رو مسکو در یک تغییر نگرش نسبت به گذشته، اسرائیل را از میان گروه کشورهای هم‌کاری نزدیک خود می‌دید (Freedman, 2001: 10).

۲. سیاست خاورمیانه‌یی روسیه در دورهٔ پوتین

سیاست خارجی دولت پوتین در ماه‌های اول، دنباله‌رو سیاست‌های یوگنی پریماکف بود، که برخلاف سال‌های اول پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چندان هم‌گرایی با سیاست‌های ایالات متحدهٔ امریکا نداشت. پریماکف طرفدار هم‌کاری و رابطه با کشورهایی چون چین، هند، ایران و دیگر کشورها برای موازنهٔ قدرت با هژمونی امریکا بود؛ اما به زودی در اوایل سال ۲۰۰۱ حتا قبل از حملات یازده سپتامبر، پوتین خط مشی سیاسی خود را تغییر داد و به سوی هم‌کاری با کشورهای غرب کشیده شد؛ البته این روی‌کرد رئالیستی مسکو بیش‌تر برپایهٔ بی‌اعتمادی به چین بود.

هم‌گرایی روسیه با امریکا در این دوره، به نحوی بود که از سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ مسکو برای توسعه ناتو در آسیای مرکزی برای عملیات نظامی علیه افغانستان با امریکا هم‌کاری می‌کرد و این هم‌گرایی در تداوم هم‌کاری در قرارداد ضد موشک بالستیک ABM، قرارداد استارت یا کاهش سلاح‌های استراتژیک، قرارداد نسل جدید تسلیحات هسته‌یی، حضور نظامیان امریکا در گرجستان و عراق نیز ادامه داشت و در نتیجه موجب کاهش بدگمانی دوجانبه میان ایالات متحده و روسیه شده بود؛ اما به زودی ایالات متحده با لغو یک‌جانبه معاهده ضد موشک بالستیک و دخالت در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری اکراین بر سیاست خارجی روسیه نیز اثر گذاشت (IEEJ Newsletter, 2005: 11).

مسکو دریافت که دخالت واشنگتن در حوزه منافع روسیه پایان ندارد و چه بسا به تمام کشورهای هم‌سایه تسری خواهد یافت. در نتیجه نظام بین‌الملل از این پس شاهد روی‌کردهای مستقل روسیه در مسایل جهانی است و در این بین روسیه سیاست خاورمیانه‌یی خود را در قالب سیاست نگاه منطقه‌یی و بین‌المللی تعقیب می‌کند. در این سیاست، ایران و ترکیه هم‌چون گذشته نقش ویژه‌یی در اهداف منطقه‌یی و جهانی روس‌ها در خاورمیانه بازی می‌کنند، اما بهبود روابط مسکو با سایر کشورهای منطقه نیز در دستور کار سیاست خارجی روسیه قرار دارد.

طرح امنیتی روسیه در خلیج فارس

طرح ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در خلیج فارس، نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ از سوی روسیه مطرح شد. در آن دوره که خطر حمله امریکا به عراق شدت یافته بود، روس‌ها نتوانستند حمایت کشورهای منطقه را در خصوص این طرح کسب کنند (روزنامه کومرسانت روسیه: ۲۰۱۹).

یکی از دلایل چنین امری، محدود بودن طرح به ممانعت از حمله نظامی امریکا به عراق و عدم جامعیت آن بود. این درحالی‌است که تحولات نظامی و سیاسی سال‌های گذشته در غرب آسیا و شمال آفریقا، رشد سریع تهدیدهای تروریستی در مناطقی که دارای ذخایر غنی از منابع هیدروکربنی هستند و ناامنی در آبراهه‌هایی که یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی به شمار می‌آید، شرایط تقریباً باثبات در منطقه خلیج فارس را دست‌خوش دگرگونی کرده است؛ از این رو، تأمین امنیت خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل جهان در سند «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس»، که از سوی روسیه ارائه شده، مورد تأکید قرار گرفته است.

براین اساس روسیه پیش‌نهاد داده که سیستم امنیتی در خلیج فارس باید جهانی، جامع و بر پایه احترام به منافع همه طرف‌های منطقه‌یی و سایر طرف‌های درگیر در تمامی حوزه‌های امنیتی، از جمله نظامی، اقتصادی و انرژی باشد. روسیه اصل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، عدم دخالت خارجی در امور داخلی این کشورها و حل و فصل اختلافات داخلی براساس قانون اساسی و از طریق گفت‌وگوهای ملی را اصلی مهم در تحقق این طرح دانسته و اعتقاد دارد که چنین روی‌کردی می‌تواند از یافتن راه حل برای مشکلات حاد و فوری آغاز شود و به تدریج به یک سیستم امنیتی ارتقا یابد.

هدف بلندمدت طرح روسی، ایجاد یک «سازمان امنیتی» با مشارکت و همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس است. در این سازمان علاوه بر این که تمام کشورهای منطقه باید حضور مستمر داشته باشند، کشورهای دیگر از جمله روسیه، چین، هند، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سایر طرف‌های ذی‌نفع می‌توانند به عنوان اعضای ناظر عمل کنند. روسیه دستیابی به چنین هدفی را ملزم به حل و فصل چند مسأله اساسی در منطقه کرده است:

۱. برداشتن گام‌های اساسی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی؛
 ۲. حل و فصل بحران‌های موجود در عراق، یمن و سوریه؛
 ۳. پای‌بندی همه طرف‌ها به توافقات مربوط به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)؛
 ۴. حل و فصل بحران فلسطین و اسرائیل (رژیم صهیونیستی) به عنوان عامل اصلی در بی‌ثبات شدن خاورمیانه (وزارت امور خارجه روسیه: ۲۰۱۹).
- در راستای ایجاد یک سیستم امنیتی در منطقه خلیج فارس به منظور ایفای نقش کلیدی در تحکیم فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک در منطقه، روسیه در طرح خود به محورهای مهمی اشاره کرده، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اجرای یک برنامه طولانی‌مدت به منظور عادی‌سازی وضعیت، تقویت ثبات و امنیت، حل و فصل اختلافات، شناسایی پیش‌نهادها و کلیدی و همچنین راه‌های اجرای وظایف مربوط؛
۲. احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای منطقه؛
۳. عدم استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور برای حل و فصل اختلافات؛
۴. قبول تعهدات متقابل و شفافیت در حوزه نظامی (گفت‌وگو در مورد دکترین‌های نظامی، جلسات منطقه‌یی وزرای دفاع، ایجاد خطوط ویژه، تبادل اعلان‌های اولیه در مورد برگزاری رزمایش‌های نظامی و پرواز هوایی، تبادل ناظران، تبادل اطلاعات در مورد خریدهای تسلیحاتی و نیروهای مسلح)؛

۵. تعهد به حل اختلافات منطقه‌یی و مرزی تنها از طریق گفت‌وگو یا سایر ابزارهای صلح‌آمیز براساس تعهدات بین‌المللی؛
 ۶. انعقاد توافق‌نامه‌هایی در راستای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، قاچاق انسان، مواد مخدر و سلاح و جرایم سازمان‌یافته؛
 ۷. انجام اقدامات اعتمادساز مشترک کشورهای منطقه با یک‌دیگر و با سایر کشورها؛
 ۸. پای‌بندی همه کشورها به قوانین بین‌المللی، به خصوص منشور سازمان ملل متحد و قطع‌نامه‌های شورای امنیت (وزارت امور خارجه روسیه: ۲۰۱۹).
- هدف بلندمدت طرح روسی، ایجاد یک «سازمان امنیتی» با مشارکت و همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس است. در این سازمان علاوه بر این که تمام کشورهای منطقه باید حضور مستمر داشته باشند، کشورهای دیگر از جمله روسیه، چین، هند، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سایر طرف‌های ذی‌نفع می‌توانند به عنوان اعضای ناظر عمل کنند.

خاورمیانه و دکترین امنیتی روسیه

نظریه امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس، برای نخستین بار نیست که از سوی روسیه مطرح می‌شود. مقامات مسکو در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، زمانی که خطر حمله آمریکا به عراق شدت یافته بود، چنین پیش‌نهادی را مطرح کردند؛ اما مسکو نتوانست حمایت کشورهای منطقه را از این طرح به دست آورد.

«ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۵، در نشست مجمع عمومی سازمان ملل و در آستانه آغاز عملیات نظامی روسیه در سوریه از لزوم ایجاد یک ائتلاف ضدتروریستی واحد سخن گفته بود. در آن زمان آمریکا و متحدانش با این مسأله مخالفت کردند و روسیه تنها ماند. در سال‌های گذشته نیز وزارت امور خارجه روسیه از سندی تحت عنوان «دکترین امنیتی خلیج فارس» رونمایی کرد، که در آن پیش‌نهادهایی در جهت تقویت اعتماد و شفافیت در منطقه و ایجاد سازمان منطقه‌یی در عرصه تأمین امنیت خلیج فارس مطرح شده بود. روسیه برای تقویت امنیت در خلیج فارس، عدم حضور نظامی کشورهای فرا منطقه‌یی و جلوگیری از تنش در جهت تأمین امنیت جمعی در منطقه این طرح را ارائه کرده است. مسکو از همه نقش‌آفرینان در منطقه، از جمله طرف‌هایی که با یک‌دیگر اختلافاتی دارند، می‌خواهد تا در جهت تقویت اعتماد متقابل و شفافیت، گام‌های مشخصی بردارند.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در کنفرانس «والدای» در مسکو خواستار تشکیل سازمانی برای تأمین امنیت در خلیج فارس شد. وی در این خصوص گفت: «مایلم یادآوری کنم روسیه به

تأسی از همین منطق در ماه جولای سال جاری طرحی برای تضمین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس پیش‌نهاد داده است». پوتین با اشاره به اوضاع ناپایدار و پیش‌بینی‌ناپذیر منطقه، از این طرح دفاع کرده و گفته است که چنین سازمانی، کشورهای خلیج فارس، ایالات متحده، روسیه، چین، امریکا، اتحادیه اروپا، هند و دیگر اعضای ذی‌نفع به عنوان ناظر را شامل خواهد شد. باید توجه داشت طرحی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به تازه‌گی مطرح کرده، چند ماه قبل توسط وزارت خارجه روسیه مطرح شده بود و درواقع طرح مفصلی است که روس‌ها به شکل‌های مختلفی آن را ارائه داده‌اند؛ هم‌چنین نماینده روسیه در سازمان ملل نیز طی یک کنفرانس مطبوعاتی این طرح را تشریح کرد و وزارت خارجه این کشور نیز در یک بیانیه به صورت مکتوب طرح را توضیح داد. به هر حال این طرح، طرحی نیست که به تازه‌گی ارائه شده باشد، بل که چند ماه پیش برای اولین‌بار از آن سخن گفتند. در عین حال، جمهوری اسلامی ایران نیز حمایت خود را از طرح روسیه اعلام کرده و گفته که این طرح کمابیش شبیه به طرحی است که آقای ظریف، وزیر خارجه ایران چند ماه پیش در قالب پیمان عدم تعرض میان کشورهای منطقه مطرح کرده بود؛ لذا به گفته مقامات تهران، شباهت‌ها و هم‌پوشانی‌های زیادی بین دو طرح وجود دارد. این طرح با توجه به تشدید درگیری‌ها در منطقه خلیج فارس و احتمال بروز درگیری در پی تحولات شکل‌گرفته از سوی مسکو مطرح شده است (محمود شوری؛ ۱۳۹۸: ۱۲).

روسیه به دنبال آن است که به نحوی تلاش‌هایی که امریکا با هدف ائتلاف‌سازی در منطقه انجام می‌دهد را خنثا کند؛ زیرا مسکو، طرح امریکا را یک اقدام کاملاً خطرناک می‌بیند، که هم می‌تواند منجر به افزایش نیروهای نظامی در منطقه شود و هم احتمال درگیری را بیش‌تر خواهد کرد؛ لذا کرملین در این چهارچوب تلاش دارد تا اجازه ندهد ائتلاف امریکایی‌ها تنش را در منطقه افزایش دهد. هدف روس‌ها این است که راه‌کاری ایجاد کنند تا کشورهای منطقه بتوانند وارد گفت‌وگو شده و تعاملات نظامی خود را با یک‌دیگر هم‌آهنگ کنند؛ هم‌چنین اجازه ندهند که تنش و درگیری در منطقه افزایش پیدا کند؛ البته پیش‌نهاد روسیه این است که چنین طرحی باید با حضور تمام کشورهای منطقه و دولت‌های بزرگی چون امریکا، روسیه، چین و حتی اتحادیه اروپا شکل بگیرد؛ اگر روسیه بر حضور امریکا تأکید دارد به این دلیل است که نمی‌خواهد کشوری تصور کند که طرح مسکو علیه کسی است. روس‌ها می‌خواهند نشان دهند، که در پی یک ائتلاف جهانی هستند تا جلوی افزایش بحران در منطقه را بگیرند؛ لذا طرح روسیه برای ائتلاف‌سازی با هدف کاهش تنش است؛ اما طرح ائتلاف‌سازی امریکا ممکن است تنش و درگیری در منطقه را افزایش دهد.

طرف روسی پیش‌نهاد کرده است، که رایزنی‌هایی بر اساس مذاکرات چندجانبه انجام شود و یک گروه ابتکاری برای فراهم‌سازی مقدمات برگزاری یک اجلاس بین‌المللی در زمینه امنیت و همکاری در منطقه خلیج فارس شکل گیرد. از جمله اقدامات پیش‌نهادی مسکو، تقویت گفت‌وگوها بین مقامات سیاسی، نظامی و کارشناسان کشورهای منطقه، هم‌آهنگی در زمینه اجرای مانورها و عملیات نظامی و پروازهای نظامی، آشنایی با تسلیحات نظامی طرفین و خودداری از استقرار گروه‌های نظامی کشورهای فرامنطقه‌یی در خلیج فارس و به‌طور کلی کاهش حضور نظامی خارجی در این منطقه است. مقامات روسیه بر این باورند که طرفین علاقه‌مند می‌توانند برای انعقاد توافق‌نامه‌یی در زمینه کنترل تسلیحات و ایجاد مناطق غیرنظامی مشخص در منطقه رایزنی‌هایی را انجام دهند و در دورنمای آینده ممکن است یک سازمان امنیت و همکاری در منطقه خلیج فارس به وجود آید، که علاوه بر نمایندگان کشورهای حاشیه خلیج فارس، نماینده‌گانی از روسیه، امریکا، چین، هند، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر نقش‌آفرینان منطقه‌یی بتوانند به‌عنوان ناظر در آن شرکت داشته باشند. روسیه اصل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، خودداری از دخالت خارجی در امور داخلی این کشورها و حل‌وفصل اختلافات داخلی بر اساس قانون اساسی و از طریق گفت‌وگوهای ملی را اصلی مهم در تحقق این طرح می‌داند. طیفی از کارشناسان به ویژه در کشورهای غربی بر این باورند بخش مهمی از رویکرد روسیه به منطقه خلیج فارس از بلندپروازی‌های مسکو در سیاست‌های جهانی ناشی می‌شود. در طول سال‌های اخیر، روسیه توانسته از حالت تدافعی خود در دهه ۱۹۹۰ خارج شود و در اکثر بحران‌های مهم بین‌المللی هم‌چون بحران سوریه، اوکراین و ونزوئلا، دست برتر را بیابد؛ اگرچه همه این بحران‌ها را امریکایی‌ها ایجاد کردند؛ اما در نهایت این روس‌ها بودند که در رقابتی سخت با امریکا، مانع اجرای طرح‌ها و اهداف واشنگتن شدند؛ بنابراین، رویارویی با امریکا و تشدید رقابت‌ها و اختلافات ژئوپلیتیک، نقش مهمی در افزایش توجه مسکو به خلیج فارس دارد. در شرایطی که امریکا تلاش می‌کند حضور نظامی خود را در منطقه افزایش دهد و در پی تشکیل ائتلاف مدنظر خود در منطقه است، قاعدتاً روسیه نمی‌تواند نسبت به یکی از مهم‌ترین نقاط جهان بی‌تفاوت باشد. هدف روسیه جلوگیری از افزایش نظامی‌گری امریکا و ایجاد ائتلاف‌های نظامی جدید در خلیج فارس است (طهمورسی؛ ۱۳۹۹: ۳).

انگیزه‌ها و اهداف روسیه در خلیج فارس و خاورمیانه

در پایان این تحقیق لازم است، انگیزه‌ها و اهداف کلی روسیه در خلیج فارس و خاورمیانه را مرور کنیم. در ارتباط با انگیزه‌ها و اهداف سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه، نگرش‌ها و

تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد، که می‌توان آن‌ها را از وجهی در قالب دو ره‌یافت امنیتی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود، و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن وجوه اشتراک داخلی و روی‌کرد خارجی، اهداف منطقه‌یی و بین‌المللی، در نگاهی دقیق‌تر، علل فعال‌ترشدن سیاست خاورمیانه‌یی این کشور را در چهار گزینه: ۱. رویارویی با یک‌جانبه‌گرایی امریکا؛ ۲. دست‌یابی به نقشی بین‌المللی به عنوان قدرتی جهانی؛ ۳. گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه و ایجاد و بسط بازار خاورمیانه‌یی برای روسیه؛ و ۴. تأثیرگذاری بیش‌تر بر مسلمانان روسیه خلاصه کرد. درواقع از این وجه دلایل فعال‌ترشدن سیاست خاورمیانه‌یی روسیه در سه دسته علل جهانی، منطقه‌یی و داخلی قابل تحلیل و بررسی است.

در تحلیل مسایل داخلی روسیه و فصل مشترک این مباحث با مسایل خاورمیانه، مسأله مسلمانان این کشور مطرح می‌شود. بدون شک روی‌کرد ملی و منطقه‌یی روسیه به جهان اسلام یک روی‌کرد سیاسی - امنیتی است. می‌توان ادعا کرد روسیه براساس تجربه سال‌ها جنگ داخلی با مسلمانان و مشاهده نتایج برخورد امریکا با اسلام سیاسی در خاورمیانه به این نتیجه رسیده که امنیت روسیه در گرو ثبات در مناطق مسلمان‌نشین جهان، به ویژه خاورمیانه است و هرگونه اختلال در امنیت این مناطق، امنیت روسیه را به مخاطره می‌اندازد. در واقع از طرفی روسیه برای حل‌وفصل مسایل داخلی خود در رابطه با مسلمانان این کشور، نیازمند ارتباط مناسب با کشورهای اسلامی است؛ از سوی دیگر، برای ممانعت از گسترش دامنه بنیادگرایی اسلامی به روسیه و مناطق پیرامونی نیازمند پرهیز از تنش با جهان اسلام است.

اما از وجهی دیگر، به نظر می‌رسد مشکلات سیاسی - اقتصادی روسیه در دهه اول پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که با وجود درون‌گرایی این کشور تداوم یافت، سران روسیه را بر آن داشت که مدیریت روسیه در عرصه خارجی به حل مسایل داخلی نیز کمک می‌رساند؛ ازاین‌رو با روی کارآمدن پوتین، دوره جدید و قاره‌یی روسیه آغاز شد و اولین پیامد غیر قابل اجتناب این وضعیت، تمرکز روسیه بر اولویتهای قابل حصول قدرت و نفوذ واقعی با توجه به معیارهای عملی و عینی چون اقتصاد بود. مهم‌ترین تصمیم پوتین که موضعی میان حل مشکلات داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی بود، «صرف هزینه و تمرکز روسیه بر دو حوزه صنعت نظامی و انرژی» بود. پوتین دریافت که از طریق سرمایه‌گذاری در این دو حوزه می‌تواند با هزینه کم‌تر ضمن حل مشکلات اقتصادی و به تبع آن سیاسی داخلی، بار دیگر جای‌گاه اقتصادی و سپس سیاسی از دست‌رفته روسیه را در عرصه جهانی باز یابد. ازاین‌رو، نگاه روسیه به مناطق پیرامونی خود، یعنی آسیای مرکزی و خاورمیانه و خلیج فارس، جدا از بُعد سیاسی - امنیتی، دارای بُعد اقتصادی نیز

می‌باشد. به ویژه این که یک بازنگری کلی در رویکرد روسیه به خاورمیانه به جز موضوع اوپک گازی که در اصل، اقتصادی است، افزایش مناسبات دو جانبه این کشور و محدودماندن دایره روابط در همین مناسبات دوجانبه نشان‌دهنده اهمیت وجه اقتصادی این روابط است.

نتیجه‌گیری

خاورمیانه و منطقه خلیج فارس همواره جای‌گاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه داشته است. در ابتدا، روسیه در این منطقه بیش‌تر از موضع تدافعی و تا حدی انفعالی برخوردار بود؛ اگرچه تحولات گسترده و بزرگ مربوط به خاورمیانه و شوروی، تا حدودی سیاست خارجی روسیه در خلیج فارس را در زمان‌های مختلف دست‌خوش تغییر کرده و از پی‌گیری اهداف سیاسی و امنیتی صرف به سمت اهداف اقتصادی و یا ترکیبی از هر دو سوق داده است؛ اما موجب تغییر نگاه کلان روسیه به منطقه نشده و این کشور همچنان شمال خاورمیانه را حیات‌خلوت خود دانسته و امنیت ملی خود را مرهون ثبات در این منطقه می‌داند. توجه فدراسیون روسیه به تحرکات مجدد و حضور خود در منطقه، در زمان ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین و هم‌زمان با افزایش روند ادعای تک‌قدرتی امریکا در دوران نظم نوین جهانی، افزایش یافته است. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و تحرکات هم‌زمان امریکا در افغانستان، عراق و آسیای مرکزی، حساسیت و توجه روسیه به خلیج فارس به عنوان یک عامل رقابتی و ابزار فشار سیاسی - روانی لازم به امریکا، بیش‌تر شده است. روسیه همانند اروپا و از لحاظ نظامی در سطحی بالاتر، از پتانسیل قابل ملاحظه‌ای در به کارگیری روش‌های امپریالیستی جهت تغییر توزیع قدرت موجود در خلیج فارس به نفع خود برخوردار است و انگیزه‌های کافی در این خصوص را دارا است.

طرح امنیتی روسیه در خلیج فارس مبنی بر اولویت هم‌کاری منطقه‌ای و مشارکت هم‌سایه‌گان به جای تکیه بر بازیگران فرامنطقه‌ای می‌تواند در تأمین صلح و تنش‌زدایی مؤثر باشد، اما با چالش‌های مختلفی نیز مواجهه است. خلیج فارس و خاورمیانه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. امنیت جهانی با امنیت خاورمیانه پیوندی ناگسستنی دارد. امنیت اقتصادی کشورهای صنعتی نیز بسته‌گی به صدور نفت خام از این منطقه دارد و برای این کشورها مهم و حیاتی است. بروز بحران‌های اقتصادی و سیاسی، اختلاف و رقابت بازیگران منطقه‌ای، دخالت‌های فرامنطقه‌ای، ظهور جنبش‌های رادیکال، اختلافات مرزی و ... به صورت مزمین سبب شده که نمی‌توان برای دکتترین امنیت در خاورمیانه چشم‌اندازی روشن در نظر داشت، موقعیت ژئواستراتژیک و تأمین بخش زیادی از انرژی جهان موجب شده تا مداخله قدرت‌های جهانی در

منطقه به بهانه امنیت‌سازی و در حقیقت تأمین منافع این قدرت‌ها در خارج از مرزهای شان و نیز تضمین انتقال سرمایه به کشورهای شان صورت گیرد. در میان قدرت‌های جهانی، روسیه هم‌سایه خاورمیانه محسوب می‌شود. روابط روسیه با منطقه خاورمیانه از تاریخی دیرینه برخوردار است. روسیه و ملت‌های منطقه از دیرباز با هم پیوندهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی داشته‌اند. این روابط و پیوندهای دیرینه باعث شده که روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی صحنه خاورمیانه به‌خصوص در زمینه حل و فصل مناقشات و چالش‌های این منطقه مطرح باشد. کرملین هم‌چنین دغدغه‌هایی امنیتی در منطقه دارد.

سرچشمه‌ها

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، فرج الله. (۱۳۸۰). «رقابت روسیه و انگلستان در خلیج فارس؛ تلاش برای ایجاد پای‌گاه دریایی». تهران: مجله دانش کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه تهران.
۲. بلانک، استیفن. (۱۳۷۳). «روسیه و ایران در خاورمیانه جدید». ترجمه پیروز ایزدی. ایران: فصل‌نامه راه‌برد. شماره ۳.
۳. ترنزیو، پیر کارلو. (۱۳۶۳). رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان. ترجمه عباس آذین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۷۹). «مبانی روی‌کردها و سیاست‌های راه‌بردی در روسیه». تهران: فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال چهاردهم. دوره چهارم. شماره ۵۰.
۵. جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۱). «ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس». تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. صفری، مهدی. (۱۳۸۴). «ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران». تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. طهمورسی، رحمت. (۱۳۹۹). «روسیه و دغدغه‌های امنیتی در خلیج فارس». خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
۸. عابدی، عقیقه. (۱۳۸۸). «سیاست خاورمیانه‌یی روسیه». تهران: فصل‌نامه راه‌برد. سال هجدهم. شماره ۵۱.

۹. علی زاده، عمران و بردبار طاهر گورابی، مهرداد. (۱۳۸۶). «بررسی سیاست‌های روسیه در خلیج فارس (دوران جنگ سرد و پس از آن)». تهران: فصل نامه گزارش. سال هفدهم. شماره ۱۸۹.
۱۰. کاظم زاده، فیروز. (۱۳۷۱). **روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴ - ۱۹۱۴)**. چاپ دوم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۱. کاویانی، مراد و ویسی، هادی. (۱۳۸۴). «انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب شرق آسیا (فرصت‌ها و تهدیدها)». تهران: دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۱۲. کولایی، الهه. (۱۳۸۳). «علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران)». تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۸۶). «دولت روسیه و اندیشه سلطه بر خلیج فارس». تهران: فصل نامه تاریخ معاصر ایران. سال یازدهم. شماره ۴۲.
۱۴. مقدم، فرشته. (۱۳۸۴). «روی کرد سیاست خارجی فدراسیون روسیه در خاورمیانه». تهران: فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال چهاردهم. دوره چهارم. شماره ۵۰.
۱۵. وادالا، ر. (۱۳۶۴). **خلیج فارس در عصر استعمار**. ترجمه شفیع جواد. تهران: کتاب سحاب.
۱۶. یزدانی، عنایت الله و تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۹۰). «تحلیلی بر رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها در بیضی استراتژیک انرژی». تهران: فصل نامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۲۶. شماره ۴.
۱۷. خبرگزاری خاورمیانه. (۱۳۹۲). «جنگ عربستان و روسیه تا ۲۰۲۰». قابل دسترسی در: www.middleeastpress.com

ب) منابع انگلیسی

18. Fattah, Hassan, M. (2007). "Putin Visits Qatar for Talks on Natural Gas and Irad". The New York Times, Feb 13.
19. Freedman Robert O. (2006). "Russia, Iran And The Nuclear Question: The Putin Record". The Strategic Studies Institute, November.
20. Freedman Robert O. (2002). "Putin and the Middle East". available at www.findarticles.com.
21. Freedman Robert O. (2000). "Russian – Iranian Relation in the 1990s". The Middle East Journal, Volume 4, No 2.

22. Kurtov Adjar. (2008). **"Iranian Vevtor in Russia's International Economic Strategy"**. Strategic Culture Foundation, Available at www.rbth.ru/articles.
23. Levy Linton. (2002). **"Turkey And Russia Discuss 80 Bilion Nuclear Contract"**. The Moscow Times, Feb 18.
24. Melkumyam Elena. (2004). **"Russian – Saudi Relation: Islamic Problematic in the Political Discourses of Both States"**.
25. IEEJ Newsletter. (2005). **The Institute of Energy Economic**, Japan, September 9.
26. EIA. (2007). **International Energy Outlook**. May. available at: [www.eia.doe.gov/oiaf/ieo/pdf/0484\(2007\).pdf](http://www.eia.doe.gov/oiaf/ieo/pdf/0484(2007).pdf)
27. Sfakianakis, John. (2007). **"Saudi – Russian Trade Relations"**, available at: www.sabb.com.
28. Singh K Gajendra. (2008). **"Russia Broud – bands Relations with Middle East"**, available at: [www. Boloji.com](http://www.Boloji.com)
29. Susris. (2001). **"Saudi Arabian – Russian Relations: Crown Prince Sultan in Moscow"**. available at: [www. Saudi-us-relations.org](http://www.Saudi-us-relations.org)
30. The Moscow Times. (2003). **"Putin Calls the Attack a Big Mistake"**. March 21.
31. Газета **"Коммерсантъ"**, Россия ударила концепцией по коалиции, №130 от, стр. 23/7/2019
32. РИА Новости, МИД представил концепцию коллективной безопасности в зоне Персидского залива, 23/7/2019
33. . Коммерсантъ, МИД представил концепцию коллективной безопасности в Персидском заливе, 23/7/2019

